

تعمید

Baptism in Jesus Name

"هر که پیشوایی می کند و در تعلیم مسیح ثابت نیست ، خدا را نیافته است . اما آنکه در تعلیم مسیح ثابت ماند، او هم پدر و پسر را دارد." (دوم یوحنا آیه 9)

برادران و خواهران گرامی در خون پر بهای عیسی مسیح :

عیسی خداوند می فرماید: "من تاك هستم و شما شاخه ها. آنکه در من می ماند و من در او، میوه بسیار می آورد زیرا که جدا از من هیچ نمی توانید کرد. اگر کسی در من نماند، مثل شاخه بیرون انداخته می شود و می خشکد..." ایمانداران زیادی هستند که ادعا می کنند چون شاخه ای هستند که در تاك قرار دارند، اما هر شاگرد مسیح باید جرات کرده و بدون توجه به تجربیات و سنوات زندگی روحانی خویش از خود سوال کند که آیا حقیقتاً به عنوان يك شاخه در این تاك قرار دارد یا نه؟ تاك ، مسیح است که کلمه زنده خداست و هر شاگرد واقعی مسیح به مثابه شاخه است که در این تاك قرار دارد. پس اگر شاگرد مسیح می خواهد در مسیح بماند، می بایست در کلام او امین باشد و آنگاه این کلام او را تقدیس خواهد کرد، چنان که خود عیسی فرموده است: "ایشان را به راستی خود تقدیس نما. کلام تو راستی است ." و اینک پیغام خدا برای کلیسای عصر حاضر بازگشت کامل به همین کلام است ، مسیح فرموده است: "اگر احکام مرا نگاه دارید، در محبت من خواهید ماند..." آیا احکام او را نگاه داشته ایم؟ بیاد داشته باشید که شاگرد فقط آن کسی نیست که چیزهایی را می آموزد یا اعتقادی را می پذیرد، بلکه در وهله اول به کسی اطلاق می شود که دیدگاه خدا را که در عیسی مسیح مکشوف شده است می پذیرد و زندگی خود را به این مکاشفه می سپارد. و این کلام خداست که او را برای ما مکاشفه می کند، نه تفاسیر و تعابیری که الهی دانان و بسیاری از معلمان کلیسا ارائه می دهند.

حال اگر مهیا شده اید تا اجازه دهید که دیدگاه خدا آنگونه که او می خواهد برای شما مکاشفه گردد، شما را دعوت می کنیم که کتابچه تعمید. را که در پرتو کلام کامل خدا نوشته شده است ، مطالعه کرده و اجازه دهید تا روح پاک و قدوس خدا شما را در درك هر چه بهتر آن یاری کند، و بیاد داشته باشید که کلام خدای فرماید: "پس هر که این سخنان مرا بشنود و آنها را به جا آورد، او را به مردی دانا تشبیه می کنم که خانه خود را بر سنگ بنا کرد... و هر که این سخنان مرا شنیده ، به آنها عمل نکرد، به مردی نادان ماند که خانه خود را بر ریگ بنا نهاد. و باران باریده ، سیلابها جاری شد و بادهای وزیده ، بدان خانه زور آورد و خراب گردید و خرابی آن عظیم بود." آمین .

United Pentecostal church (Iranian Ministry)

کشیش رضا دهقانی

تعمید

مقدمه

تعمید و شام خداوند فرایض کتاب مقدسی ای هستند که در اغلب کلیساهای مسیحی چه رسمی و چه آزاد اجرامی شوند، و این در حالیست که هر کدام از این کلیساهای به روش معمول خود این کار را می کنند. آن نمونه یا مدلی که در مسیحیت اولیه رایج بود در طول تاریخ کلیسا به دست فراموشی سپرده شد. معلمان کلیسا و اصلاح گران با استفاده از همان کلام و به خاطر همان کلام به شدت با یکدیگر مبارزه و جدل می کردند، ولی با این وجود آنها نتوانستند به اعلام و روشی که در مسیحیت اولیه مورد توافق همگان بوده است رجوع کنند.

ما در رابطه با مسیحیان اولیه چنین می خوانیم: "و در تعلیم رسولان و مشارکت ایشان... مواظبت می نمودند." (اعمال 2: 42). آنها می دانستند که رسولان را خود خداوند خوانده بود و درباره اسرار ملکوت خدا تعلیم یافته بودند. خداوند پس از رستاخیزش با خاصان خود به سربرد: "تا آن روزی که رسولان برگزیده خود را به روح القدس حکم کرده، بالا برده شد. که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود، خویشتن را زنده ظاهر کرد به دلیلهای بسیار که در مدت چهل روز برایشان ظاهر می شد و درباره امور ملکوت خدا سخن می گفت." (اعمال 1: 2 و 3). در این مدت درباره همه امور ملکوت صحبت کرد و دستورات خود را به آنها داد. در روز پنطیکاست خداوند روح خود را بر آنها نازل نمود تا کلام او را روشن کرده و هدایت گر آنها شود تا مطابق اراده کامل خدا عمل کنند.

با وجود اینکه پولس از آغاز در جمع کلیسا نبود، بلکه مشغول اتمام تحصیلات الهیاتی خود بود، از زمان توبه خود در کلیه امور، همان انجیلی را موعظه کرد که رسولان موعظه می کردند. دعوت او یک دعوت مافوق الطبیعه بود، ابتدایه عرب رفت و چهارده سال بعد طبق یک مکاشفه به اورشلیم آمده و انجیلی را که به امتهای اعلام می کرد با برادران ارشد خود مطرح نمود تا از طریق مقایسه معلوم شود که مبادا به عبث زحمت کشیده باشد! (غلاطیان 2: 2 و 1).

اعمال رسولان و رساله ها به هماهنگی کاملی که بین تعالیم اناجیل چهارگانه و عهد عتیق وجود دارد گواهی و شهادت می دهند. به همین دلیل هر چه که از زمان رسولان برای ما گذاشته شده، عبارت از تعالیم و روشهای خالص کتاب مقدسی هستند. ما در عهد جدید با دیدگاه پطرس یا پولس روبرو نیستیم، بلکه مستقیماً با خدا و کلام خداسروکار داریم. امروزه این تنها روش معتبر برای آزمایش همه چیز است.

روزی خداوند از شاگردان خود پرسید: "آیا همه این امور را فهمیده اید؟ گفتندش: بلی خداوند. به ایشان گفت: بنابراین ، هر کاتبی که در ملکوت آسمان تعلیم یافته است، مثل صاحب خانه ای است که از خزانه خویش چیزهای نو و کهنه بیرون می آورد." (متی 13: 51-52). در هر زمانی خداوند از مردانی که آنها را برای خدمتهای خاصی در ملکوت خود معین کرده بود استفاده نموده است. آنها معرفت الهیاتی خاصی را مطرح نکردند، بلکه در مدرسه ملکوت آسمانی تعلیم دیده بودند. فرستادگان خدا همواره دو چیز را دریافت کرده اند: کلام و روح او را. بدین شکل بود که روشنایی و مکاشفه درباره اراده او و نحوه صحیح انجام آن پیش می آمد. یکی از نشانه هایی که هرگز دروغ نمی گوید این است که اعلام کلام و اجرای آن در هماهنگی کامل با شهادت همه کتب انجام می شد. خداوند ما و رسولان، تنها عهد عتیق را در اختیار داشتند و دائم به آن رجوع می کردند. ما در عهد جدید 845 نقل قول از عهد عتیق می بینیم.

واعظان انجیل مسنولیت بزرگی در قبال خداوند دارند. بدین خاطر است که هر کارگر ملکوت خدا باید مانند پولس این جرات را داشته باشد که قیاس کند تا معلوم شود که تعلیم و روش او با تعالیم اولیه انجیل و آموزه رسولان مطابقت دارد یا نه. اگر برای پولس الزامی بود که آموزه خود را با تعالیم رسولان قیاس کند تا ببیند که مبادا به عبث زحمت کشیده باشد، آیا ما می توانیم همچنان بر روش ها و تعالیم خود اطمینان داشته باشیم؟ به هیچ وجه! برای چیزی که مربوط به خدا باشد فقط یک اصل وجود دارد. و هر چیزیکه با آن مطابقت نکند بدلی بیش نیست.

تعمید

به فرشته کلیسای افسس گفته شده است: "...و آنانی را که خود را رسولان می خوانند و نیستند آزمودنی و ایشان رادروغگو یافتی." (مکاشفه 2 : 2). این قضاوت بدین دلیل امکان پذیر شد که شنوندگان آنچه را که موعظه می شد با وعظ اصلی رسولان مقایسه می کردند. ایمانداران کتاب مقدسی از این در شگفت بودند که عده ای که دعوی رسالت داشتند روغگو از آب در آمده بودند، چرا که آنچه را که وعظ می کردند پیغام خالص الهی نبود.

در مسیحیت اولیه هیچ ابهامی درباره تعمید و شام خداوند وجود نداشت. خداوند تعالیم روشن و واضحی را به رسولان داده بود، تا آنجا که درباره فرستادگان خود می توانست بگوید: "آنکه شما را شنود، مرا شنیده ..."(لوقا 10 : 16). به همین خاطر ما در اینجا قصد داریم موضوع تعمید را همانطوریکه در کتاب مقدس برای ما گذاشته شده است توضیح دهیم. بدین خاطر به صورتی هر چند مختصر باتوضیحی که در پرتو کلام خدا قرار دارد به آن خواهیم پرداخت.

تعمید

ابتدا باید به صورت مختصر موضوع تعمید کتاب مقدسی را بسط دهیم، خداوند دستور داد که ایمانداران را تعمید دهند، و به همین دلیل است که فرقه های مسیحی تعمید می دهند. ولی بررسی تحولات تاریخی کلیسا حاکی از آنست که این آموزه از شکلی که در میان مسیحیان اولیه رایج بود خارج شده و دچار انحرافات حادی گردیده است. اگر چه این مراسم در آن زمان به صورت یکسان برگزار می شد اما امروز تفاوت های زیادی چه در کلیساهای رسمی و چه در کلیساهای مستقل مشاهده می شود.

با این حال سخنان پولس به ایمانداران افسس امروزه نیز از اعتبار کاملی برخوردارند. آنجا که می گوید: "یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید." (افسیان 4 : 5). در واقع تنها یک خداوند است که خدا می باشد، تنها یک ایمان وجود دارد یعنی ایمان کتاب مقدسی و تنها یک تعمید که عبارت از تعمیدی است که رسولان می دادند. ما در این مبحث قصد داریم با قرار گرفتن در چهار چوب کتاب مقدس به سوالات زیر پاسخ بدهیم: تعمید چیست؟ مفهومش چیست؟ چه کسی می تواند تعمید بگیرد؟ و این مراسم عملاً به چه شکلی انجام می شود؟

شرط تعمید

شرط اساسی برای تعمید یافتن ایمان شخصی فرد است. خداوند کمی قبل از صعود خود این دستور بسیار روشن و آشکار را به شاگردان خود داد: "...در تمامی عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید. هر که ایمان آورده تعمید یابد نجات یابد..." (مرقس 16 : 15-16). در وهله نخست پیغام نجات است که مطابق با کتاب مقدس و نه مطابق یک آیین مذهبی، اعلام می شود.

انسانها بواسطه و عظم مربوط به آشتی که در مسیح مصلوب به ما عطا شده ، به عطای بخشش الهی روی می آورند. همان طوریکه نوشته شده است ایمان از و عظم است و و عظم از کلام خدا (رومیان 10 : 17). وقتی که این عمل انجام می شود روح

تعمید

القدس ایمان لازم را در شنونده به وجود می آورد. فرد باید به یک پذیرش درونی ، به یک پاسخ مثبت و به قبول آگاهانه عطای الهی فیض نائل آید. شخص به تجربه ای از نجات سوق داده شده و ایماندار می گردد. همانطور که در رومیان 8 : 16 آمده است روح به هر کسی که چنین تجربه ای داشته باشد شهادت می دهد که فرزند خدا شده است . این اطمینان به نجات است که بواسطه ایمان به عادل شمردگی در حضور خدا ارزش دارد. آنگاه نوبت به قدم بعدی می رسد که همان تعمید است : "پس ایشان کلام او را پذیرفته ، تعمید گرفتند..." (اعمال 2 : 41). این چیزی است که در روز بنیاد کلیسای عهد جدید (روز پنطیکاست) گفته شده است . نتیجه اولین موعظه در پنطیکاست شگفت آور است . حدود سه هزار نفر از افرادی که کلام را شنیدند آن را با ایمان چون پیغام الهی پذیرفته و تعمید یافتند، این نمونه تا سده سوم میلادی رواج داشته است . رسولان و دیگر مردانی که به قوت مطلق روح آراسته شده بودند برای بشارت رهسپار شدند. بواسطه یکی از آنها که فیلیپ نام داشت بیداری عظیمی در سامره رخ داد. آنجا نیز عده ای ایمان آورده و بدنبال آن تعمید یافتند (اعمال 8 : 16).

این میسر با هدایت روح با آن خواجه سرا دربار حبشه ملاقات نمود که اتفاقاً باب 53 اشعیاء را می خواند (اعمال 8 : 26-39). در آیه 35 چنین نوشته شده است : "آنگاه فیلیپس زبان خود را گشود و از آن نوشته شروع کرده ، وی را به عیسی بشارت داد." و عظم بر پایه کلام انبیاء بود و بر آن تکیه می کرد، بر نجاتی که خدا قصد داشت به بشریت عطاء کند و از پیش اخبار شده بود.

خواجه سرا حرف مرد خدا را در وسط بشارت قطع کرد و گفت : "اینک آب است ! از تعمید یافتنم چه چیز مانع می باشد؟" (اعمال 8 : 36). شرطی که فیلیپ آورد و با کل کلام خدا نیز تطابق داشت از این قرار است : "...هر گاه به تمام دل ایمان آوردی جایز است ... و جواب ، خود به خود آمد: "...ایمان آوردم که عیسی مسیح پسر خداست .". "پس حکم کرد تا ارابه را نگاه دارند و فیلیپس با خواجه سرا هر دو به آب فرود شدند. پس او را تعمید داد." (اعمال 8 : 38). اینجا نیز ایمان از و عظم است و و عظم از کلام خدا. روح خدا در شنونده عمل کرده و بلافاصله پس از آن تعمید صورت گرفت .

بواسطه یک مکاشفه خاص ، پطرس به خانه یک یوزباشی رومی به نام کرنیلیوس در شهر قیصریه رفت (اعمال 10). و عظم او باز هم یک نتیجه کتاب مقدسی به دنبال خود داشت . در این رابطه چنین نوشته شده است : "این سخنان هنوز بر زبان پطرس بود که روح القدس بر همه آنانی که کلام را شنیدند، نازل شد." (اعمال 10 : 44)، و از آنجایی که لازم بود تا در مورد همه کسانی که ایمان آورده بودند همه عدالت خدا به جا آورده شود و حکم خدا اطاعت گردد، پطرس گفت : "...آیا کسی می تواند آب را منع کند، برای تعمید دادن اینانی که روح القدس را چون ما نیز یافته اند." (اعمال 1 : 47). امروزه نیز هر ایماندار واقعی باید چنین عمل کند و حتی اگر روح القدس را هم دریافت کرده باشد به شکل کتاب مقدسی تعمید بگیرد. هر چه خدا می کند بدون تغییر و در هماهنگی کامل تا به آخر ادامه دارد. (تا پایان دوره فیض).

در کتاب مقدس هیچ اشاره ای به تعمید کودکان و آب پاش نوزادان نشده است . کسی که می کوشد با وقایع ذکر شده در لوقا 18 : 15-17 این روش را توجیه کند، باید به آیاتی که به موازات آن در متی 19 : 13-15 و مرقس 10 : 13-16 آمده است نیز مراجعه کند. در اینجا ملاحظه می شود که خداوند عیسی تنها دستهای خود را بر ایشان گذارده و آنها را در آغوش گرفته و برکت داد. استاد هرگز درباره تعمید کودکان چیزی نگفت . و امروزه نیز می بینیم که در جماعتی کتاب مقدسی والدین ایماندار کودکان خود را می آورند با این هدف که در دعا به خداوند وقف شده و برکت بگیرند.

دومین بخش کتاب مقدس نیز که در توجیه این عمل آورده می شود، درباره تعمیر بچه ها چیزی نمی گوید. در زمانیکه پولس و سیلاس در زندان بودند، اتفاق فوق العاده ای به وقوع پیوست و وحشت عظیمی بر زندانبان مستولی شد. وی از این مردان خدا پرسید: "...ای آقایان، مرا چه باید کرد تا نجات یابم؟" (اعمال 16: 30)، در پاسخ او فرمودند: "...به خداوند عیسی مسیح ایمان آور که تو و اهل خانه ات نجات خواهید یافت." (اعمال 16: 31). در آیه بعدی چنین می خوانیم: "آنگاه کلام خداوند را برای او و تمامی اهل بیتش بیان کردند." در اینجا نیز ملاحظه می کنیم که حکم ماموریت با امانت اجرا شد. اول موعظه شد و همه اهل خانه بدان گوش کرده و با ایمان پذیرا شدند. این مساله قبل از تعمیر صورت گرفت: "پس ایشان را برداشته، در همان ساعت شب زخمهای ایشان را شست و خود و همه کسانش فی الفور تعمیر

تعمیر

یافتند." (اعمال 16: 33). داروغه و اهل خانه اش ابتدا به واسطه و عظمایمان آوردند و در قدم بعدی تعمیر گرفتند. از هیچ کدام از عبارات فوق نمی توان نتیجه گرفت که بچه ها و نوزادان تعمیر یافته باشند.

تعمیر به شکلی که امروزه متداول است فاقد پایه کتاب مقدسی است. تاریخ کلیسا نیز به این گفته گواهی می دهد. این روش به زمانی برمی گردد که در آن با توسل به خشونت مردم را مسیحی می کردند، و تمامی اهل خانه ها و حتی اقوام بر خلاف میل باطنی خود تعمیر می یافتند. برای جایگزین کردن ایمان لازم برای تعمیر، مساله پدر و مادرتعمیدی مطرح شد که این اصل هم فاقد پایه کتاب مقدسی است. همان طوریکه از مراجعه به آیات فوق الذکر بر می آید، لازم است هر کس شخصاً تصمیم خود را در پیشگاه خداوند بگیرد. متأسفانه باید بگویم که در اغلب موارد و عظمایان کلیساهای رسمی و مستقل با مدل رسولان مطابقت ندارد و به همین خاطر ثمرات کتاب مقدسی نیز دیده نمی شود.

نام

در کتاب مقدس هیچ آیه ای به اندازه متی 28: 19 به غلط درک و اجرا نشده است. و هیچ آیه ای به اندازه آن مورد سوءکاربرد قرار نگرفته است. گفته شده است: "پس رفته همه امتهای را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمیر دهید." در شگفتم که چطور این گفتار را در سده های بعدی به یک عبارت تثلیثی مبدل کردند که امروزه نیز مورد استفاده اغلب کلیساهای رسمی و مستقل می باشد. ظاهراً این سوال که این اسمی که تعمیر باید برای آن صورت می گرفت کدام است به ذهن کسی خطور نمی کند. پدر، پسر و روح القدس القابی هستند مربوط به مکاشفات متفاوت خدا. یک شخص می تواند القاب زیادی را داشته باشد مثل معلم، وکیل، دکتر و غیره، یک شخص می تواند پدر، شوهر و پسر باشد. این القاب به عالم وجود ربط دارند و برای روابطش در مقاطع مختلف به کار می روند. با این وجود هر کسی نامی دارد. این مساله درباره خدا در عهد عتیق نیز صدق می کند، او در آن زمان خود را با اسم عهد "یهوه" معرفی کرده بود. در زمان تعمیر نام مورد نظر، نامی است که خدا بواسطه آن خود را در عهد جدید آشکار کرده است ولی در متی 28: 19 آورده نشده است.

حال به آیاتی چند که در آن از اسم صحبت می شود بدون اینکه آورده شود، اشاره می کنیم. این مساله می تواند کمک خوبی برای حق جویان باشد. در لوقا 10: 17 می خوانیم که آن هفتاد شاگردی که خداوند فرستاده بود باشادی و خرمی مراجعه کرده و گفتند: "...ای خداوند دیوها همه به اسم تو اطاعت ما می کنند." آیا در این واقعیت که در آیه فوق این مردان قوت نام عیسی را تجربه کرده بودند و منظورشان همان نام عیسی بود می توان شبهه ای داشت؟ مسلماً نه! وقتی که خداوند در متی 18: 20 می گوید: "زیرا جایی که دو یا سه نفر به اسم من جمع شوند..." هیچ کس شک نمی کند که منظور اسم عیسی است، اگر چه خود اسم برده نشده است. در لوقا 24: 47 گفته می شود که توبه و آمرزش گناهان

باید به اسم او موعظه بشود و بسیاری به اسم او ایمان آورده اند. در آیات فوق ، هر کس می داند که منظور از اسم چیست ، ولی ظاهراً در متی 28 : 19 به این واقعیت بزرگ که نام او چیست توجه نمی شود. به راستی که عجیب است ، ضروری است که ما جداً در این مورد به تعمق بپردازیم .

در آیه های فوق الذکر صحبت از نام پسر است ، در حالی که در آیاتی که هم اکنون ارائه می دهیم به اسم پدر مربوط می شود. در اینجاست که وارد قلمرو مکاشفه الهی می شویم .

خداوند به ما آموخت که چنین دعا کنیم : "...ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدس باد." (متی 6 : 9). میلیونها نفر این دعا را تکرار می کنند بدون اینکه از خود بپرسند که آن نام پدر که باید تقدیس کرده شود کدام است ؟ خدا پدر است ، چون

تعمید

پسران و دخترانی دارد ولی در اینجا صحبت از نام اوست . پسر در یوحنا 12 : 28 چنین می گوید: "ای پدر اسم خود را جلال بده !..." پاسخی که از آسمان آمد از این قرار است : "...جلال دادم و باز جلال خواهم داد." (یوحنا 12 : 28). کدام اسم مورد نظر است ؟ اسم این خدا که مایل است باز اسم خود را جلال دهد چیست ؟ ولی فقط يك اسم واحد است که ما بواسطه آن می توانیم به خدا نزدیک بشویم و این همان اسم خاص اوست .

پسر در دعای کهانتی در رابطه با پدر چنین می گوید: "اسم تو را به آن مردمانی که از جهان به من عطا کردی ظاهر ساختم..." (یوحنا 17 : 6). آیا منظور یکی از اسامی عهد عتیق است ؟ البته که نه ! کسی که با دقت خوانده باشد این نکته را دریافت می کند که اسم پدر به کسانی که به عنوان پسران و دختران وی بدو تعلق دارند آشکار می شود. خدا آنها را شناخت و آنها نیز به نوبه خود خدا را می شناسند. این مساله بدین صورت که در برگرفته همه موارد فوق است عنوان می شود: "...ای پدر قدوس اینها را در اسمی که به من داده ای نگاه دار..." (یوحنا 17 : 11) [در ترجمه قدیم فارسی از متن معروف به الزویر (ELZEVIR) پیروی شده است ، که این متن در حال حاضر مورد قبول کارشناسان نیست . ولی در ترجمه های DARBY ، ترجمه اصلاح شده لویی سگون (LOUIS SEGOND)، و حتی ترجمه اصلاح شده جدید مارتین لوتر، آیه به شکل فوق ترجمه شده است . مترجم .]. واضحترا از این نمی توان مساله را عنوان کرد. اسم پدر در عین حال اسم پسر هم بود. در آیه 26 عیسی چنین وعده داد: "...اسم تو را به ایشان شناسانیدم و خواهم شناسانید..." (یوحنا 17 : 26). در آن زمان عیسی به یهودیان گفت : "من به اسم پدر خود آمده ام و مرا قبول نمی کنید..." (یوحنا 5 : 42)، مسیحیان چه ؟ خوشبختانه حال کسی که می تواند ایمان بیاورد که پدر خود را در پسر آشکار ساخت و اسم خود را به ما شناسانید! ولی این اسم کدام است ؟ عیسی ، که همان عمانوئیل است ، خدا با ما! و تنها يك مکاشفه شخصی خدا وجود دارد که در مسیح انجام گرفت . فقط يك اسم در اینجا مد نظر است ، خداوند عیسی . در این اسم است که هرزانی خم خواهد شد و به این اسم هر زبانی اعتراف خواهد کرد. خدا به این صورت با ما ملاقات کرد و به این صورت است که می توانیم وی را ملاقات کنیم . معمایی متی 28 : 19 با این شرحی که داده ایم حل شده و به نام خداوند عیسی مسیح منتهی می شود

آموزه رسولان

حال به شکل اجرایی دستور تعمید در کلیسای اولیه توجه می کنیم . پطرس در شمار آن عده ای بود که خداوند در متی 28 دستورات خود را به آنها داده بود. وی همان کسی است که خداوند عیسی کلیدهای ملکوت آسمان را به وی سپرده بود، به عبارت دیگر وی به هر چیزی که به ملکوت خدا مربوط می شد دسترسی داشت ، و حتی قبل از آنکه روح القدس ریخته

شود، در جمع آن یکصدویست نفر بلند شده و امور را مطابق با کتب تنظیم کرد (اعمال 1: 15). وی بلافاصله پس از نزول روح القدس یعنی در روز پنطیکاست انجیل را به جمعیتی که خود را به آن جا رسانیده بودند موعظه کرده و سخنانش بسیاری را دلریش کرد، لذا از وی پرسیدند: "...ای برادران چه کنیم؟ پطرس بدیشان گفت: توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت." (اعمال 2: 37-38). فرمان ماموریت برای اولین بار در اینجا به اجرا در آمد و کسانی که ایمان آورده بودند بر طبق متی 28: 19 به آن نامی که منظور آیه بود تعمید یافتند. این توجیه که سخنان عیسی از سخنان رسولان اهمیت بیشتری دارد نمی تواند کسی را که به الهام مطلق کتب ایمان دارد تحت تاثیر قرار دهد. بلکه بر عکس زمانی که ملاحظه می کنیم که هماهنگی کاملی در فرمان و اجرای آن وجود دارد تحت تاثیر قرار می گیریم.

تعمید

ما قبلاً به این نکته اشاره داشته ایم که بسیاری در سامره ایمان آورده و تعمید گرفتند. خبر این واقعه به اورشلیم رسید. در این باره چنین می خوانیم: "اما رسولان که در اورشلیم بودند چون شنیدند که اهل سامره کلام خدا را پذیرفته اند، پطرس و یوحنا را نزد ایشان فرستادند. و ایشان آمده، به جهت ایشان دعا کردند تا روح القدس را بیابند، زیرا که هنوز بر هیچ کس از ایشان نازل نشده بود که به نام خداوند عیسی تعمید یافته بودند و بس." (اعمال 8: 14-16). در اینجا به این نکته تاکید شده است که فقط به نام خداوند عیسی تعمید گرفته بودند.

در خانه کرنیلیوس نیز پطرس امر کرده بود که به نام عیسی مسیح تعمید گیرند (اعمال 10: 48). هیچ دانشمندان الهیاتی نمی تواند جریان را به شکلی غیر از آنچه که در کلام برای ما نوشته شده است توضیح دهد. و حتی اگر فرشته ای از آسمان آمده و چیز دیگری بگوید، گرفتار آناتیمیا می شود (غلاطیان 1: 8).

نکته ای که باید هر کسی را به تفکر وادارد، این است که در کلیه موارد ذکر شده کسانی که ایمان می آوردند، "به نام خداوند عیسی مسیح" تعمید می گرفتند. رسولان سخن خداوند خود را به خوبی درک کرده و دقیقاً طبق فرمان استاد عمل کرده بودند. فرمان ماموریت از این قرار است: "پس رفته، همه امتها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده ام حفظ کنند..." (متی 28: 19-20). آنها از خود خداوند تعلیم یافته بودند و لذا آن اسمی را که در آن خدای یگانه به عنوان پدر و پسر و روح القدس خود را مکشوف کرده بود شناخته و به همان اسم تعمید می دادند. و بدین شکل بود که فرمان عیسی را اجرا می کردند.

حال ببینیم که پولس، آن مردی که خداوند وی را "ظرف برگزیده" می خواند چگونه تعمید داد. پولس وقتی که به افسس رسید، دوازده مرد را پیدا کرد که تنها تعمید یحیی را می شناختند. پس از ارانه یک مقدمه کوتاه درباره نقشه نجات خدا توسط پولس، ثمره کتاب مقدسی به خودی خود ظاهر شد: "چون این را شنیدند به نام خداوند عیسی تعمید گرفتند، و چون پولس دست بر ایشان نهاد، روح القدس بر ایشان نازل شد..." (اعمال 19: 5-6).

این گفته صحیح است که هر موردی باید با شهادت دو یا سه شاهد ثابت شود، و ما به ترتیب از آنچه که در اورشلیم، سامره، خانه کرنیلیوس و افسس به وقوع پیوست سخن گفتیم. چه در میان یهودیان و چه در میان سامریان یا امتها، در هر جایی که پطرس، فیلیپ و پولس وعظ کردند، در همه موارد تعمید به نام خداوند عیسی مسیح انجام می شد.

این مساله شایان توجه است که ما در کتاب مقدس با آیات ضد و نقیض روبرو نمی شویم. ممکن نیست که روح القدس در خصوص یک مساله دو مکاشفه متفاوت بدهد. در دوره اول خداوند مردانی چون پطرس، پولس و دیگران را برگزید و به آنها اختیار تام داد تا عمارت تعلیمی کتاب مقدس را بنا کنند و آنها نیز این کار را در هماهنگی کامل با شهادت متفق کتب مقدسه و یکدیگر انجام دادند. چه کسی می تواند مدعی شود که افرادی که در مسیحیت اولیه در کنار استاد راه رفتند، یا

مردی چون پولس که با خداوند پس از صعود وی به آسمان ملاقات کرد، در اجرای فرمان ماموریت اشتباه کرده اند! و بدین سان به آنانی که در مسیحیت اولیه بوده اند نسبت ارتداد بدهد؟

باز به سخن پولس گوش می‌سپاریم ، او در رساله به رومیان چنین می‌نویسد: "یا نمی‌دانید که جمیع ماکه در مسیح عیسی تعمید یافتیم ، در موت او تعمید یافتیم ." (رومیان 6 : 3). در این آیه پولس خویشتن را در شمار آن دسته از ایماندارانی که به نام عیسی مسیح تعمید یافته‌اند قرار می‌دهد. در هیچ جایی از کتاب مقدس به موردی اشاره نشده که کسی به روش تثلیثی در القاب "پدر و پسر و روح القدس" تعمید گرفته باشد.

همه عمل‌های ملکوت خدا که از جانب خداوند دعوت شده و از روح پر بودند، یک معرفت ، یک تعلیم ، یک ایمان و یک تعمید داشتند، و در همه امور توافق و هماهنگی کاملی بین آنها وجود داشت ، هیچ یک از آنها مکانیک وارمتی 28 : 19 را تکرار نمی‌کردند، آنها می‌دانستند که کلمه اسم به صورت مفرد آورده شده بود: "... ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید." و آنها همین کار را می‌کردند. آنها ایمان داشتند که خدا خود را با عنوان‌های پدر و پسر و روح

تعمید

القدس آشکار کرده است ، و نام او را می‌دانستند. این مردان در زندگی خود مشارکت بیواسطه‌ای را با خدا داشتند. آنها از هیچ الهیاتی تأثیر نمی‌گرفتند، بلکه از راه مکاشفه به درک مسائل نائل می‌شدند.

کسی که متی 28 را خیلی تحت اللفظی در نظر گرفته و از مکاشفه مربوطه برخوردار نباشد، متوجه نخواهد شد که خداوند وظیفه‌ای در فرمان تعمید خود معین کرده است . در متی 28 و مرقس 16 حکم یک ماموریت بزرگ به چشم می‌خورد، ولی نحوه اجرای این حکم که نتیجه‌ای معتبر برای همیشه است در اعمال رسولان دیده می‌شود.

اگر یک معلم مساله‌ای را به یک دانش‌آموز بدهد و او به جای پاسخ و نتیجه ، صورت مساله را تکرار کند معلوم می‌شود که یک جای کار می‌لنگد. ولی وقتی که مساله تعمید مطرح می‌شود، حتی معلمان کتاب مقدس نیز به جای اجرای فرمان خداوند، کلمات حکم را تکرار می‌کنند. ما تنها زمانی که دستور ماموریت را همانطوری که رسولان انجام داده‌اند اجرا کنیم ، این تایید را به دست می‌آوریم که توسط همان خداوندی دعوت شده‌ایم که آنها را دعوت کرد، و این مساله که او و عظیم انجیل را به ما سپرده است نیز تایید می‌گردد. رسولان و معلمان کلیسای اولیه وظیفه مقرر شده در متی 28 را خوب درک کرده بودند و جای بسی شکرگذاری است که نتیجه این حکم به صورت مکتوب برای ما گذاشته شده است . و لازم است که ما نیز همان مکاشفه را از روح القدس بگیریم تا آنچه را که رسولان دیده‌اند ببینیم ، آنچه را که تعلیم داده‌اند تعلیم دهیم و همانطوری که آنها تعمید داده‌اند ما نیز تعمید دهیم .

هر کسی باید این توضیح را که با دلایل روشن کتاب مقدسی بسط داده شده جدی بگیرد. گاه اینطور به نظر می‌رسد که دو چیز به هم شبیه‌اند، آنها می‌توانند به هم نزدیک باشند اگرچه همانند آسمان و زمین از هم فاصله دارند. خداوند در نامه به فیلاذلفیه با این عبارات قوم خود را می‌ستاید: "...اسم مرا انکار ننمودی" (مکاشفه 3 : 8). ولی در مورد آن دسته از ایماندارانی که به نام عیسی سرود می‌خوانند، آنها در دعاهای خود به کار می‌برند و درباره او موعظه می‌کنند، ولی نمی‌پذیرند که در تعمید این اسم را بر خود بگذارند چه می‌توان گفت ؟

به همین ترتیب درباره همه آن مبشرینی که به نام عیسی دیوها را اخراج می‌کنند، شفا می‌دهند و به نام او معجزه می‌کنند، اما حاضر نمی‌شوند در تعمید این اسم را اعتراف کنند، چه می‌توان گفت ؟ لبها به عجیب بودن اسم عیسی شهادت می‌دهند، ولی حاضر نیستند عار این اسم را حمل کنند. خداوند در متی 7 : 22-23 می‌گوید: "بسا در آن روز مرا خواهند گفت : خداوند، خداوند، آیا به نام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به نام تو معجزات بسیار ظاهر ساختیم ؟ آنگاه به ایشان صریحاً خواهیم گفت که هرگز شما را نشناختم ! ای بدکاران از من دور شوید!" در این بخش از کتاب مقدس صحبت از افراد فول گوسپیل (انجیل تام) است . آنها از یک طرف در برکاتی که به کلیسا وعده داده شده

شریکند و از طرف دیگر برای سنت های غیر کتاب مقدسی اهمیت فراوانی قائلند. آنها حاضر به اصلاح راههای خود از طریق بکارگیری کلام نیستند. پس چه کسی حاضر است در برابر شهادت آشکار کتب سرفرود آورد؟ برای رد کردن تعمیم به روش سنتی و تن دادن به روش کتاب مقدسی شجاعت زیادی لازم است. ولی همانطور که در رومیان 6: 3 خواندیم کسی که بواسطه تعمیم با مسیح در مرگ او شریک نشود، نمی تواند با وی قیام کند! برکات و عطایا به خودی خود ارزشی ندارند، در ابتدا لازم است که بین تعالیم و اجرای آنها هماهنگی کاملی وجود داشته باشد، و آنچه که در انتها معتبر شناخته خواهد شد اطاعت ایمان است، ایمانی که بواسطه آن اراده خدا مکشوف می شود و همان ایمان است که اعمال کتاب مقدسی را به ظهور می آورد. خوشبختانه حال آنانی که به کلام خدا گوش کرده و طبق آن رفتار می کنند.

مفهوم تعمیم

یحیی تعمیم دهنده در ابتدای عهد جدید ظاهر شد و چنین وعظ نمود: "توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است." (متی 3: 2). خداوند بارها به وی و خدمتش اشاره کرده است، مثلاً وقتی که می گوید: "و تمام قوم و باجگیران چون شنیدند، خدا را تمجید کردند زیرا که تعمیم از یحیی یافته بودند. لیکن فریسیان و فقها اراده خدا را از خود رد نمودند زیرا که از وی تعمیم نیافته بودند." (لوقا 7: 29-30). عیسی مسیح خود به اردن رفت و به دست یحیی تعمیم گرفت و گفت: "...زیرا که ما را همچنین مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم ..." (متی 3: 13-17).

از زمان بنیاد کلیسای عهد جدید، آن چیزی که پطرس به هنگام ایراد اولین موعظه اش پس از نزول روح القدس گفت، همیشه اعتبار دارد: "...توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمیم بگیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت." (اعمال 2: 38).

مسئله تعمیم هیچ ربطی به سلیقه شخصی ندارد، بلکه یک عمل اطاعت است که برای هر ایماندار الزامی است. هر کس که با ایمان، عمل فدییه تحقق یافته را برای خود قبول کرد و عادل شمردگی را تجربه نمود، شاگرد عیسی می شود. انجام تعمیم به خودی خود باعث آمرزش گناهان نمی شود، بلکه تنها کسانی تعمیم می یابند که گناهانشان آمرزیده شده است. به استناد اول پطرس 3: 21 تعمیم: "...امتحان ضمیر صالح بسوی خدا بواسطه برخاستن عیسی مسیح،" است. شخص بوسیله تعمیم یافتن تعلق خود را به مسیح که با او مصلوب می شود و می میرد اعلام می دارد. هر دو نفر یعنی تعمیم دهنده و تعمیم گیرنده تا نزدیک کمر خود وارد آب می شوند و تعمیم دهنده قبل از دادن تعمیم می گوید: "برادر/ خواهر، به دلیل ایمانت به کلام خدا، تو را برطبق کلام خدا، بنام خداوند عیسی مسیح تعمیم می دهم." مانند عمل تدفین تعمیم گیرنده را به پشت کاملاً زیر آب فرو کرده و بلافاصله خارج می کنند "خروج از قبر آب"، بدین مفهوم که شخص مورد نظر با مسیح برای یک زندگی جدید قیام کرده است. به همین دلیل نه آب پاش و نه ریختن آب هیچ کدام تعمیم به شمار نمی آیند.

رسول می نویسد: "و با وی در تعمیم مدفون گشتید که در آن هم برخیزانیده شدید به ایمان بر عمل خدا که او را از مردگان برخیزانید." در کتاب مقدس هرگز گفته نشده است که تولد جدید از طریق تعمیم انجام می شود، بلکه تعلیم داده می شود که افرادی که بواسطه کلام و روح، تولد جدید را تجربه کرده اند تعمیم می گیرند. ولی تعمیم آب بدین مفهوم نیست که بلافاصله تعمیم روح القدس می گیریم، تعمیم روح القدس یک پاسخ الهی است که به ایماندار اطمینان می دهد که مورد تایید خدا قرار گرفته است، این یک تجربه عینی است.

در رساله به رومیان آمده است: "پس چون که در موت او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم تا آنکه به همین قسمی که مسیح به جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم. زیرا اگر بر مثال موت او متحد گشتیم، هر آینه در قیامت وی نیز چنین خواهیم شد." (رومیان 6: 4-5). رسول به غلاطیان چنین می نویسد: "زیرا همگی شما بوسیله ایمان در مسیح عیسی، پسران خدا می باشید. زیرا همه شما که در مسیح تعمید یافتید، مسیح را دربر گرفتید." (غلاطیان 3: 26-27). پس یک گناهکار، خشک وارد آب نمی شود تا یک گناهکار خیس از آن خارج شود، بلکه منظور افرادی هستند که توسط خدابخشیده شده، با او آشتی کرده و اطمینان به نجات را کسب کرده اند.

پطرس رسول با ذکر مثال کشتی نوح، لزوم تعمید را خاطر نشان می سازد و می گوید: "...هنگامی که حلم خدا در ایام نوح انتظار می کشید، وقتی که کشتی بنا می شد، که در آن جماعتی قلیل یعنی هشت نفر به آب نجات یافتند، که نمونه آن یعنی تعمید اکنون ما را نجات می بخشد..." (اول پطرس 3: 20-21). طوفان همه افرادی را که در داخل کشتی نبودند با خود برد، و تنها چند نفری که به وعظ گوش کرده و به پیغام نوح ایمان آورده بودند داخل کشتی شدند.

به چه علتی پطرس برای تشریح تعمید کسانی که ایمان می آوردند از مثال کشتی استفاده می کند؟ چون کسی که به راستی ایمان آورده و طبق دستور خدا عمل می کند، در مسیح تعمید می گیرد. اوست کشتی ما، و در اوست که از قضاوت و غضب آینده در امان هستیم. نجات از راه ایمان به عیسی مسیح حاصل می شود. ایمان آوردن و به پیروی از کلام، در

مفهوم تعمید

اطاعت به اسم خداوند عیسی مسیح تعمید گرفتن. و بر عکس کسی که از حکم الهی پیروی نمی کند بی ایمانی خود را نشان می دهد، در اطاعت به سر نمی برد و به سوی هلاکت پیش می رود، این مساله با جریان طوفان قیاس پذیر است.

مردم پیش از آنکه گرفتار طوفان شوند، بدون شك از خود پرسیده بودند: "چرا باید وارد کشتی شویم؟ ما به خدا ایمان داریم و همین کافی است! همه چیز طبق روال عادی خود پیش می رود" آنها نشناختند که نوح از جانب خداوند سخن می گفت. ولی شمارش معکوس شروع شده بود، آن روز ناگهان در رسید و مردم علیرغم تمام اخطارهایی که توسط وعظ به آنها شده بود، در این فاجعه گرفتار شدند. در بسته شد و آنانی که بیرون بودند زندگی خود را از دست دادند. ظاهراً در حال حاضر همه چیز درست مانند زمان آغاز آفرینش به پیش می رود (دوم پطرس 3: 4). ولی در روز عیسی مسیح که به زودی از راه می رسد، تفاوت آشکار خواهد شد. ساعت خدا ناگهان زنگ خواهد زد و زمان فیض به اتمام رسیده و در بسته خواهد شد.

آنگاه تا ابد دیر خواهد بود و دیگر کسی نخواهد توانست کاری را که نکرده است در آن زمان بکند و به این خاطر خداوند ما را چنین فرا می خواند: "...امروز اگر آواز او را بشنوید، دل خود را سخت مسازید..." (عبرانیان 3: 7-8) و کلام مرقس 16: 16 همچنان به قوت خود باقی است: "هر که ایمان آورده، تعمید یابد نجات یابد و اما هر که ایمان نیاورد بر او حکم خواهد شد."

چه کسی حاضر است این پیغام را جدی گرفته و پیروی کند؟ ایمان واقعی زنده است و بواسطه اطاعت به کلام خدا تجلی می یابد. ایمانی که عمل آن را همراهی نکند، مرده و بی ارزش است. چنین ایمانی عبارت از یک اعتراف مذهبی است که هیچ وقت باعث نجات کسی نشده است. آموزه های مسیحی وقتی که فاقد پایه کتاب مقدسی باشند به درد هیچکس یا هیچ چیز نمی خورند. مشارکت با خدا از طریق کلام اوست که بواسطه روح برای ما احیاء می شود. تنها، چیزی به خدا منتهی می شود که از خدا صادر شده باشد.

روحها را بیازمایید

قبل از اینکه این بحث را به پایان برسانیم ، لازم است که يك نکته بسیار مهم را نیز اضافه کنیم . به غیر از کلیساهای سنتی که در آنها فعالیت در زمینه ترغیب به ایمان کتاب مقدسی و تولد تازه به ندرت مشاهده شده و یا اصلاً نمی شود، ملاحظه می شود که بعضی از محافل فول گوسپل (انجیل تام) نسبت به آموزه های اساسی کتاب مقدس در هاله ای از ابهام هستند، گویی که معلمان کتاب مقدس و الهی دانان ملاحظه نمی کنند که هیچ آیه ای در کتاب مقدس وجود ندارد که حاکی از این باشد که کسی طبق عبارت "پدر و پسر و روح القدس " تعمیم گرفته باشد. و این عبارت سنتی که از کلیسای کاتولیک نشأت می گیرد امروزه در کلیساهای پروتستان و حتی جماعتیایی که در عصر حاضر پا گرفته اند نیز مورد استفاده قرار می گیرد.

اغلب مردم از کاربرد این عبارت در محافل سری و احضار ارواح بی اطلاع هستند. بسیاری از مراسم دفع نفرین ، میزگردان (جادویی) ، ورق و پیشگویی در پوشش این عبارت به اصطلاح متعالی انجام می شوند. واسطه ها یامدیومهای به اصطلاح مسیحی مغرب زمین ، زمانی که با روحهای مردگان صحبت می کنند از این عبارت استفاده می کنند. حتی در زمان ورود به مکانهای مخصوص خود از آن به عنوان قسم استفاده می کنند. کسانی که در چنین مراسمی شرکت می کنند با شنیدن عبارت "پدر و پسر و روح القدس " احساس آرامش می کنند، زیرا که منشا عبارت فوق ، کلیسا بوده و به

تعمید

گوش آنها مانوس می باشد! چه در جادوی سفید، چه در جادوی سیاه و چه در زمانی که به اصطلاح کتاب های ششم و هفتم موسی به کار می روند، این عبارت همواره آورده می شود.

وقتی که از شرکت کنندگان در خصوص این کار سوال می شود، بر حسب ناآگاهی خود چنین جواب می دهند: "به نام خدا انجام می شود!" ما اتفاق این مساله را رد می کنیم . فقط چیزی که در نام عیسی انجام می شود، بنام خداست . بقیه از شریر است که حاکم این دنیاست . خداوند خدا هیچ دخالتی در آیینهای میزگردان (جادویی)، دفع نفرین انسانها و حیوانات ، مراجعه به مردگان و چیزهایی شبیه به اینها ندارد، زیرا که او این اعمال را در کلام شدیداً ممنوع کرده است ! این چیزها اگرچه ممکن است ظاهری بسیار مذهبی داشته باشند، اما در واقع شیطانی هستند.

چه وجه اشتراکی بین اعمال سری ، آیینهای احضار ارواح و عمل راستی خدا می تواند وجود داشته باشد؟ از کی تا به حال خادمان شیطان و خادمان خدا عبارات مشترکی را به کار می برند؟ از کی تا به حال شیطان در ملکوت خداپادشاهی می کند؟ هر کسی باید این سوال را از خود بکند که وقتی که دو نفر يك عمل واحدی را انجام می دهند، آیا راستی هیچ تفاوتی بین عمل آنها وجود ندارد؟ افراد زیادی هستند که با دیدن یا شنیدن اعمالی که در زیر پوشش این عبارت انجام می شود تعجب کرده و به هراس می افتند، اما در عین حال استفاده از آن را در تعمیم طبیعی می دانند. کم هستند افرادی که به این حقیقت که در عهد جدید همه چیز بنام عیسی مسیح انجام می پذیرد و قوت خدا تنها بواسطه او تجلی می یابد بیاندیشند. با این حال نوشته شده است : "و آنچه کنید در قول و فعل ، همه را به نام عیسی خداوند بکنید..." (کولسیان 3 : 17)، هر کسی که کتاب مقدس را می شناسد، می داند که هیچ نبی یا رسولی از عبارت پدر و پسر و روح القدس استفاده نکرده است . همانطوری که به صورت مشروح در کتابچه خدا و نقشه اش برای بشریت توضیح داده ام ، پدر و پسر و روح القدس همان خدای یگانه است .

آنچه که در متی 28 : 19 نوشته شده است حقیقت مطلق است ، و این حقیقت به همان اندازه درباره اعمال 2 : 38 و جاهای دیگر نیز صدق می کند. ولی شیطان از همان ابتدا از کلام خدا استفاده کرده و آن را به گونه ای تحریف شده ارائه

داده است . او توانست با يك فریب بسیار مذهبی ، بشریت را در خصوص تعمید گمراه کند. وقتی که در آن زمان نزد خداوند آمده و به او گفت : "مکتوب است" ، واقعاً از کتاب مقدس نقل قول می کرد. ولی شیطان این کلام را از بافت خود جدا کرده بود تا به صورت دروغین به کار ببرد (لوقا باب 4). و همین کار را با فرمان تعمید انجام داده است . شیطان بشریت را کور کرده است تا جلال خدا را در صورت مسیح نبینند (دوم قرنیتان 4 : 4-6). و به همین دلیل اسم موردنظر بر ایشان پوشیده مانده است .

مگر غیر از این است که دنیای مسیحیت در خرافات و بی ایمانی گرفتار شده است ؟ ایمان واقعی کتاب مقدسی را در کجا می توان یافت ؟ طبق مکاشفه 18 : 4 خدا قوم خود را به خروج از بابل مذهبی فرا می خواند. هر کسی که خداچشماتش را می گشاید به اشتباه خود پی میبرد و با کمال میل از کلام خدا اطاعت می کند. خدا همواره روشنایی را از تاریکی جدا می کند، چه کسی جرات دارد به جای تعلیم از خون و جسم ، از او تعلیم یابد؟ هر فردی در پیشگاه خدابه صورت شخصی ، مسوول بوده و باید تصمیمش را اتخاذ کند.

در خاتمه مایلم افرادی را که می خواهند در جلال باشند با این عبارت تشویق کنم تا هر چه سریعتر اقدام کنند: خدا از زمانهای جهالت چشم پوشیده و با وجود این مسائل انسانها را از طرق گوناگون برکت داده است . و امروزه همه را به اطاعت از خود و کلامش امر می کند. لازم است که ما خود را از هر آموزه ای که مخالف کتاب مقدس است جدا کرده و به اعلام اصلی کلام ، یعنی همان کلامی که از اورشلیم صادر شد بازگشت نماییم .

در اعمال باب 3 "اوقات استراحت" و همچنین اصلاح همه چیز پیش از ظهور خداوند وعده داده شده است . در آیات 19-21 چنین نوشته شده : "پس توبه و بازگشت کنید تا گناهان شما محو گردد و تا اوقات استراحت از حضور خداوند برسند. و

تعمید

عیسی مسیح را که از اول برای شما اعلام شده بود بفرستد، که می باید آسمان او را پذیرد تا زمان معاد همه چیز که خدا از بدو عالم به زبان جمیع انبیای مقدس خود، از آن اخبار نمود." در اینجا کلام به روشنی خاطر نشان می سازد که عیسی در جلال می ماند تا فرارسیدن اوقات استراحت (تازگی - تجدید حیات) و معاد (بازگشت به حالت اولیه). کسی که به کلام خدا ایمان دارد موظف است که آن را جدی تلقی کند. ما در عصری زندگی می کنیم که به بازگشت خداوند نزدیک است ، عصری که در آن همه چیز باید به حالت اولیه خود بازگردد. هم اکنون عصر استراحت روحانی در حضور خداوند است .

همه می دانند که جماعت های مختلف و پیروانشان بی صبرانه چشم به راه ظهور عیسی مسیح هستند. چطور ممکن است که زمان فیض و تفقد را که در آن به سر می بریم نبینند؟ از دیدگاه خداوند، کلیسای حقیقی ، کلیسای است که بر کلام او بنا شده باشد. و به همین دلیل لازم است که تعمید دقیقاً بر پایه آموزه و روش رسولان انجام شود. پولس می نویسد: "و بر بنیاد رسولان و انبیا بنا شده اید که خود عیسی مسیح سنگ زاویه است ." (افسیان 2 : 20). امروزه نیز خداوند به همان روش اولیه کلیسای خود را بنا می کند و آن را به جایگاه اولیه خود بازخواهد گردانید. و فقط در آن زمان است که می تواند برگردد و آن را در جلال خود ببرد.

هیچ کس نباید مبحث مربوط به تعمید به روش کتاب مقدسی را کم اهمیت تلقی کند. هر که در حضور خدا فیض یافته است این لزوم را حس خواهد کرد که باید به نام خداوند عیسی مسیح تعمید یابد تا از گرفتاری کسانی که تعمید رابه روش تثلیثی گرفته اند رهایی یابد. هر کسی که از خداست ، به کلام خدا در این مورد گوش خواهد کرد. خوشبختانه حال کسی که پیغام الهی را که امروز می رسد تشخیص داده ، به وعده های داده شده برای عصر حاضر ایمان آورده و در تحقق آنها شریک می گردد.

غیر از عیسی مسیح کسی نیست که بتواند ما را رستگار سازد! چون در
زیر این آسمان، اسم دیگری وجود ندارد که مردم بتواند توسط آن از گناهان
نجات یابند.

اعمال رسولان: ۴ - ۱۲

<http://www.sayadi-al-nas.com>